

اول ماه مه: جشن کارگری یا نماد نبرد طبقاتی . جهانی؟

رسم اینست که هر سال در آستانه اول ماه، فعالان کارگری به بررسی تجارب یک ساله جنبش کارگری می پردازند و دورنمای مبارزات در سال آتی را ترسیم می کنند. ولی موقعیتی که اینک جنبش ما با آن روبروست و راه و روش های گوناگونی که به بحث روز فعالین این جنبش در مورد برگزاری مراسم اول ماه مه تبدیل شده، ما را بر آن می دارد که نکاتی را در این مورد مطرح کنیم. چرا که به نظر ما، این راه و روش ها نه فقط مربوط به برگزاری یک مراسم معین، بلکه بازتاب سیاست ها و راه و روش های متفاوت در قبال کل جنبش کارگری است.

ما در چه موقعیتی به سر می بریم؟ این دوره ای است که نظام و دولت سرمایه دار در ایران در صد آغاز تهاجمی گسترده تر از پیش بر سطح معیشت و شرایط زندگی توده های عظیم مردم و در این میان طبقه کارگرند. این مساله ای صرفا اقتصادی - رفاهی نیست. این تهاجم سرمایه داری ها در شرایط تعمیق بحران ساختاری دنیای سرمایه داری امپریالیستی انجام می گیرد. بحران های اینچنینی در بطن خود، زمینه های مقاومت و مبارزه رادیکال توده ها را می پروراند و آتش مهار ناپذیر تنش های سیاسی و اجتماعی را دامن می زند. ما در چنگال نظامی سیاسی گرفتاریم که استثمار و غارت و فساد را به بکارگیری سرکوب سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک و با توجیهات شرعی و فقهی به پیش می برد. پیشبرد تهاجم جدید سرمایه داری بحران زده، نیازمند ابعاد گسترده تری از سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک علیه توده های مردم است. حاکمان دارند برای مقابله با مقاومت مردم جان به لب رسیده تدارک می بینند. مانورهای نیروهای انتظامی و نظامی و وظایف تازه بسیج برای مقابله با شورش های شهری طراحی شده است. در مقابل، یکی از شروط هرگونه مقاومت و مبارزه جدی از پایین، تقویت روحیه و همبستگی مبارزاتی توده ها و بسط شکل ها و سطوح مختلف سازمانیابی از طریق نشر آگاهی سیاسی و ایدئولوژی پیشرو و انقلابی در جامعه است. برگزاری مراسم اول ماه مه، واقعه ای مجرد از این اوضاع و وظایفی که با تاکید بیش از پیش در مقابل فعالان جنبش طبقه کارگر قرار می دهد نیست. اول ماه مه فقط یک سنت نیست که به برگزاری یک جشن محدودش کنیم. اول ماه مه فرصتی است برای گرد هم آمدن کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگان در یک ابراز وجود مبارزاتی. این کیفیت برای مراسم اول ماه مه ضروری است. فلسفه وجودی اول ماه مه جز این نیست. اول ماه مه، روز شیرینی خوران تعداد زیادی کارگر و خانواده هایشان نیست. تهدیدها، دستگیری ها، شلاق زدن کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه برای این نیست که می خواسته اند "جشن" بگیرند. پایین آوردن سطح توقع خود و کارگران از مراسم اول ماه مه، بیان یک "تاکتیک" مناسب برای به خیابان آوردن وسیع ترین توده ها و به این ترتیب، خلع سلاح کردن رژیم نیست. این در واقع به معنی پایین آوردن آگاهی مبارزاتی کارگران و محدود کردن دامنه تاثیر سیاسی و اجتماعی مبارزه طبقه کارگر است.

جالب اینست که طرفداران این "تاکتیک" می خواهند از سطح توده های وسیع کارگر حرکت کنند تا با این کار، بخش بزرگی از کارگران به راحتی بتوانند با مراسمی که آنان تدارک می بینند همراهی کنند؛ اما خود به روشنی در سطحی پایینتر از مقاومت و اعتراض خودجوش امروز

بسیاری از کارگران قرار گرفته اند. ما در روزهایی به سر می بریم که بخشی از کارگران با تشخیص فجایع و فلاکتی در امسال در پیش است، به درستی با شعار "اصلاح الگوی مصرف با اخراج کارگران!" به میدان می آیند؛ روزهایی که شمار روز افزونی از کارگران، هیچ معنایی جز مقاومت و اعتراض برای زندگی خویش نمی یابند و مقاومت و اعتراض می رود که به شرط ادامه زندگی آنان تبدیل شود. در این اوضاع، حتی برگزاری جشن های بی آزار دار و دسته مرتجع "خانه کارگر" می تواند به صحنه بروز اعتراضات کارگران بیکار و گرسنه تبدیل شود. آن وقت چگونه می توانیم صرفاً به دنبال برگزاری جشن و تبریک گفتن و شیرینی خوردن و آواز خواندن باشیم و ادعای پاسخ گفتن به انتظارات جنبش کارگری را هم داشته باشیم. آیا برای مثال، امسال کارگران و خانواده هایشان در مراکز نظیر هفت تپه که درگیر مبارزات ادامه دار است، نباید اول ماه مه را به فرصتی برای ابراز وجود و نمایش قدرت مبارزاتی و طرح شعارها و مطالبات کوچک و بزرگ خود تبدیل کنند؟ آیا شرکت دادن توده های کارگر در تعیین سیاست ها و شعارهای مراسم اول ماه مه، و تبدیل این روزها به فرصتی برای تبلیغ و ترویج و انتقال آگاهی سیاسی طبقاتی و انترناسیونالیستی به شمار بیشتری از کارگران، کاری ناممکن است؟

از ضرورت نشر آگاهی سیاسی و ایدئولوژی پیشرو و انقلابی در جامعه گفتیم. در این دوره، اگر این وظیفه را محکم در دست بگیریم و راه ها و روش های انجام هر چه گسترده تر این امر را پیدا نکنیم، نمی توانیم جای پای محکمی برای جلب و جذب و متشکل کردن توده های کارگر و ستمدیده به دست بیاوریم. این کار باید اساساً در محل کار و آموزش، و در محله و خیابان انجام گیرد. باید به شکل جمعی، تاثیرگذار باشد. اهمیت و تاثیر تبلیغ و ترویج، و افشاگری و اطلاع رسانی گسترده به مثابه جزیی از آن، در این اوضاع بحرانی بیشتر شده است. بیخود نیست که مثلاً در حیطه اینترنت، رژیم سیاست گسترش فیلترینگ سایت ها و وبلاگ ها را به اجراء گذاشته است. هر چند در این حیطه، همیشه راه های گریز و نقب زدن های تازه برای انتقال نظرها و سیاست های مخالف حکومت ها وجود دارد و باز می شود، اما کماکان هیئت های حاکمه ستمگر امکانات بیشتری برای کنترل و سد کردن کانال های ارتباطی در اختیار دارند. بنابراین باید به طور جدی، به دنبال راه و روش ها و ابتکار عمل ها در زمینه تبلیغ و ترویج مستقیمی بود که کمتر به فن آوری پیشرفته و امکانات تحت کنترل دولت ها متکی باشد. سازماندهی مستقیم و از پایین این وظایف، باید جایگاه اصلی را نسبت به سایت ها و وبلاگ ها و برنامه های پخش ماهواره ای بیابد. مراسم اول ماه مه امسال و فعالیت های حول و حوش آن می تواند عرصه ای باشد برای محک زدن توان و ابتکار عمل های فعالان جنبش کارگری در این مورد.

اردیبهشت 88

جمعی از فعالین کارگری (jafk)

kargaranfa@gmail.com

jafk.blogfa.com